

بررسی و تحلیل گفتمان ادبی خطبه چهارم نهج البلاغه

وفاء الزیدی^۱، فاطمه شاکر اردکانی^۲

چکیده

نهج البلاغه پس از قرآن کریم از افتخارات ادبیات عرب و همه مسلمانان است. بسیاری از دانشمندان و شیفتگان حضرت در مورد کتاب، پژوهش‌های فراوانی انجام داده‌اند، اما باوجود فراوانی پژوهش‌ها، تحقیق در زمینه تحلیل گفتمان ادبی در این کتاب اندک است. خطبه چهارم اگرچه در نهایت اختصار بیان شده است، اما از فصیح‌ترین و بلیغ‌ترین سخنان حضرت علی علیه السلام است. بنابراین، فهم بهتر این شاهکار ادبی نیازمند کشف ارتباط بافت موقعیتی و ساختارهای مختلف خطبه است. تحلیل گفتمان ادبی، بررسی و نقد متن‌های ادبی که تبیین ارتباط و هماهنگی بافت موقعیتی با ساختارهای زبانی و بافت متنی کلام است را برعهده دارد. پژوهش حاضر از منظر گفتمان ادبی به روش تحلیلی-توصیفی و با ابزار کتابخانه‌ای، خطبه چهارم نهج البلاغه را بررسی می‌کند تا نشان دهد ارتباط بین عناصر زیباشناختی ادبی و بافت موقعیتی خطبه چگونه بر اقناع و تأثیرگذاری بر مخاطب مؤثر است. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که موقعیت ایراد خطبه از جمله دودستگی مردم و عدم اطاعت از دستورات امام، موجب به‌کارگیری ساختارهای مختلف برای بیان و تصریح حضرت به برتری و شرافت خویش نسبت به دیگران، دفاع از مقام، امامت و بیان واقعیات و عدم سکوت در شرایط حاکم بر آن زمان شده است.

واژگان کلیدی: تحلیل گفتمان، گفتمان ادبی، امام علی علیه السلام. خطبه چهارم

نهج البلاغه.

۱. دانش‌پژوه کارشناسی زبان و ادبیات عرب از کشور عراق، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم العالمیه، قم، ایران.

۲. مدرس و مدیر گروه علمی تربیتی زبان و ادبیات عرب، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم العالمیه، قم، ایران.

۱. مقدمه

نهج البلاغه کامل‌ترین کلام بشری است که در جهان حتی نمی‌توان مانند آن را از دیگری توقع داشت. ویژگی‌های کلام حضرت علی علیه السلام مطلبی تازه نیست و از دیرباز تاکنون مورد توجه شیفتگان راه حق بوده و پژوهش‌های فراوانی در مورد آن صورت گرفته است. کلام امیرالمؤمنین علیه السلام همواره با شاخصه‌های فصاحت و بلاغت و همچنین چندبعدی بودن همراه است به گونه‌ای که همراه شدن این خصائص، کلام حضرت را فراتر از شاهکار و آن را به اعجاز نزدیک کرده است. به همین دلیل است که سخن حضرت فروتر از کلام خالق و فراتر از کلام مخلوق است تا آنجا که خود حضرت درباره فصاحت و بلاغت کلامش می‌فرماید: «انا لامراء الکلام فینا تنشبت عروقه و علینا تهدلت غصونه؛ ما امیران سخن هستیم، سخن در فرمان ماست و ریشه‌های آن در ما فرورفته و شاخه‌هایش بر ما گسترده شده به این معنا که هر مطلبی را می‌توانیم در موقع مقتضی با منتهای درجه فصاحت و بلاغت و جامعیت بیان کنیم» (فیض السلام اصفهانی، ۱۳۶۸، ۷۳۰/۱).

هر متنی، سازماندهی عناصری است که راه بیان معنای گفتمان را هموار می‌کند و به طور کلی، سازماندهی صورت بیان است اگر گفتمان، متن را از معنایی هدفمند بهره‌مند کند. متون، هویت معنایی و محتوایی خود را مدیون گفتمان هستند. (شعیری، ۱۳۸۵، ص ۴۴) تحلیل گفتمان، بررسی چگونگی شکل‌بندی معنا با عناصر زبانی از جمله بافت موقعیتی، فرهنگی، اجتماعی و... است. تحلیل گفتمان ادبی، یکی از زیرشاخه‌های تحلیل گفتمان بوده و نشانگر این مطلب است که ادیب با برقرار کردن تناسب بین عناصر زیباشناختی ادبی و بافت موقعیتی به قانع کردن مخاطب پرداخته، افکارش را به او منتقل می‌کند و بر او اثرگذاری نتیجه‌بخش دارد. بررسی کلام امیرالمؤمنین علیه السلام با رویکرد زبان‌شناسانه از منظر تحلیل ادبی گفتمان، قدمی برای شناخت هرچه بهتر این کلام ارزشمند است. از جمله پژوهش‌های ارائه شده در این حوزه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تحلیل خطبه ۵۱ نهج البلاغه براساس کنش گفتاری جان سرل نوشته سیده مریم فضائلی و دکتر محمد نگارش اشاره کرد. حضرت در این خطبه برای تحریک و تشجیع لشکریان برای حمله به سپاه معاویه و پیروزی بر آنها از کنش های گفتار اظهاری و ترغیبی بیشتر از کنش های گفتار عاطفی استفاده کرده است.

- از یافته های پژوهش تحلیل گفتمان انتقادی نامه امام علی علیه السلام به معاویه نوشته علی صفایی و بهروز سلطانی این است که امام علیه السلام برای تثبیت و ترویج در برابر گفتمان مخالف که همان معاویه است به گسترش اندیشه ما و آنها در نامه خود پرداخته و با استفاده از امکانات زبانی، گزینش های متناسب را در این راستا به کار گرفته است. مقاله تحلیل گفتمان ادبی خطبه جهاد، نوشته سعید محمود، حسین چراغیوش و محمود میرزایی الحسینی نیز نشان می دهد که ساختارهای خطبه متناسب با بافت موقعیتی آن برای برانگیختن احساسات مخاطبان و بیداری از غفلت آنهاست.

- مقاله بررسی گفتمان انتقادی در نهج البلاغه براساس نظریه نورمن فرکلاف، نوشته علی اکبر محسنی و نورالدین پروین نیز به این مطلب اشاره می کند که گفتمان خطبه ها روان شناسانه و هنری است و تأثیرپذیری از اوضاع سیاسی حاکم به ویژه رفتار کوفیان دارد.

- در مقاله تحلیل کنش گفتاری خطبه امام حسین علیه السلام در روز عاشورا نوشته طاهره ایشان و نیره دلیر نیز این مطلب تصریح شده است که امام حسین علیه السلام در روز عاشورا با بهره گیری از افعالی با کنش اظهاری و ترغیبی با کاربرست سؤال، موقعیت خود را برای دشمن بازگو و سپاه دشمن را به تجدید نظر درباره خود تشویق می کند تا حجت بر آنها تمام شود.

- براساس بررسی های انجام شده، پژوهشی درباره تحلیل خطبه چهارم نهج البلاغه پیدا نشد. از آنجا که کلام مولا از نظر ادبی سخنی بلندمرتبه است، پس در پژوهش حاضر، گفتمان ادبی این خطبه بررسی می شود.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. گفتمان

گفتمان یعنی، چگونگی تولید و ساماندهی متن توسط گوینده و درک آن توسط مخاطب. (صلح‌جو، ۱۳۷۷، ص ۸) گفتمان به معنای مرادده کلامی، سخن و گفت‌وگو، مباحثه درباره یک موضوع و گپ زدن است (میلز، ۱۳۸۸، ص ۷). گفتمان کلامی است که از طرف گوینده ایراد شده و توسط مخاطب درک می‌شود.

۲-۲. تحلیل گفتمان

تحلیل گفتمان یکی از ابزار تحلیل متون ادبی است که در آن افزون بر عناصر نحوی و لغوی تشکیل‌دهنده جمله، عواملی مانند بافت موقعیتی، فرهنگی و... مطرح است. (فرکلاف، ۱۳۷۹، ص ۸) تحلیل گفتمان، بررسی چگونگی شکل‌بندی معنا و پیام واحدهای زبانی در ارتباط با عوامل درون‌زبانی یا همان بافت متنی و عوامل برون‌زبانی یا بافت اجتماعی، سیاسی و... است (لطفی‌پور ساعدی، ۱۳۷۱، ص ۱۰). در پژوهش حاضر، تمام سطوح خطبه بررسی می‌شود.

۲-۳. بافت موقعیتی

بافت موقعیتی عبارت است از: شرایط و زمینه‌هایی که سخن و کلام در آن جریان پیدا می‌کند که با اصطلاحاتی مانند زمینه، بافت و سیاق نیز مطرح می‌شوند. (فتوحی رودمعجنی، ۱۳۹۱، ص ۵۷) بافت، موقعیت محیط بی‌واسطه‌ای است که متن در آن اجرا می‌شود؛ یعنی ترکیبی از ویژگی‌های زمینه، عاملان و شیوه که گونه کاربردی متن را مشخص می‌کند (هیلدی و حسن، ۱۳۹۳، ص ۱۲۴). در بافت موقعیتی، یک متن در چارچوب موقعیت خاصی که تولید شده است، بررسی می‌شود (بهرام‌پور، ۱۳۷۹، ص ۱۴۲). بافت موقعیت، همان شرایط محیطی، زمانی و مکانی است که کلام در آن جریان می‌یابد. این شرایط و فضا علاوه بر اینکه بر مفاهیم کلامی تأثیر می‌گذارند بر ساختار کلام نیز تأثیر بسزایی دارند. به‌طورکلی معنی هرگفتار فقط در بافت موقعیتی آن مشخص می‌شود (رستمیان و طباطبایی، ۱۳۹۰، ص ۳۴). باتوجه به تعاریف ارائه

شده، می‌توان گفت که این بافت در تحلیل گفتمان ادبی یکی از عناصر مهم و قابل توجه است که بدون آن متن و گفتمانی شکل نمی‌گیرد.

۲-۴. بافت متنی

منظور از بافت متنی یا زبانی آن است که بافت متنی، عناصر زبانی در متن را بررسی می‌کند و نشان می‌دهد در چارچوب چه نوع متنی استفاده شده است و جملات قبل و بعد از آن در متن چه تأثیری در پیدایش و تبلور صوری، کارکردی و معنای آن دارند. (تاجیک، ۱۳۷۹، ص ۲۴) یکی از اهداف خواندن متن، رسیدن به جلوه‌های زیباشناختی متن است (گرچی، ۱۳۹۰، ص ۱۸۰).

۳. بافت موقعیتی خطبه

تاریخ درباره بافت موقعیتی خطبه تنها به این مورد اشاره کرده که این خطبه پس از جنگ جمل و کشته شدن طلحه و زبیر و فتح بصره در سال ۳۶ هجری قمری صادر شده و از شرایط موقعیتی که حضرت خطبه را ایراد کرد جزئیات بیشتری ذکر نشده است. در ادامه، زمینه‌های مؤثر در ایراد این خطبه یعنی، داستان ناکثین یا پیمان شکنان که تأسف‌بارترین انحرافات بشری یعنی، همان پیمان شکنی را به راه انداختند و باعث توقف و عدم شکوفایی و پیشرفت عادلانه‌ترین حکومت تاریخ شدند به طور مختصر بیان می‌شود. بنابر کتب شرح نهج البلاغه، مخاطبان این خطبه طلحه و زبیر و امثال آنها هستند. (ابن ابی الحدید، ۱۴۲۱، ص ۱۷۸) طلحه و زبیر جزو اولین نفراتی بودند که با امیرالمؤمنین علیه السلام بیعت کردند، اما پس از مدتی پیمان شکستند و جنگ جمل را به راه انداختند. پس از قتل عثمان و بیعت مهاجران و انصار با امیرالمؤمنین علیه السلام. حضرت به معاویه نامه نوشت و از او خواست که با او بیعت کند و بزرگان اهل شام را نزد او بفرستد. حضرت در نامه تصریح کرد که مردم بدون مشورت با او، عثمان را کشته و سپس با اجتماع میان خود به بیعت با حضرت اقدام کرده‌اند.

معاویه توسط فردی از قبیله بنی عمیس نامه‌ای برای زبیر بن عوام نوشت و به او گفت که از اهل شام برای طلحه بن عبیدالله یا جانشین زبیر بیعت بگیرد و با تظاهر به خون‌خواهی عثمان و همراه کردن مردم با خود در این مطالبه نگذارد که شهر کوفه و بصره از سلطه خارج شود. زبیر نیز طلحه را از این نامه مطلع کرد و آن دو تصمیم گرفتند با حضرت علی علیه السلام مخالفت کنند. چند روزی از بیعت آنها با حضرت نگذشته بود که آن دو نزد امیرالمؤمنین علیه السلام رفته و به او گفتند: «یا امیرالمؤمنین تو از جفا و خشونت که در دوران خلافت عثمان بر ما گذشت مطلعی. اکنون که خداوند خلافت را به تو عنایت نموده ما را به ریاست منصوب کن. حضرت علیه السلام در پاسخ به آنها فرمود که به قسمت خداوند راضی باشم. سپس بیان کرد که درباره خواسته آنها می‌اندیشد، اما برای نصب افراد به امر ریاست دو شرط دینداری و امانت لازم است. آن دو که از شنیدن پاسخ امام مأیوس شدند پس از مدتی از حضرت خواستند که برای رفتن به عمره رهسپار مکه شوند. حضرت فرمود: شما اراده عمره ندارید، بلکه می‌خواهید بیعتی را که با من نموده‌اید، بشکنید و راه حيله‌گری را در پیش گرفته‌اید که آنان به انکار پرداخته و حضرت به آنها فرمود: بیعت مجدد کنید. آن دو با محکم‌ترین سوگندها، مجدداً بیعت خود را تکرار کردند و با صدور اجازه امام علیه السلام به عمره رفتند. هنگامی که آنها از آنجا بیرون رفتند، حضرت به کسانی که در مجلس حضور داشتند، فرمود: سوگند به خداوند آن دو را نخواهید دید مگر در شورش‌هایی که به کشتار منجر خواهد شد». این دو نفر پس از خروج از مدینه با هر کسی که برخورد می‌کردند، می‌گفتند بیعت ما با علی بن ابی طالب از روی اکراه بود و بیعتی بر گردن ما ندارد. آنها به عمره رفته و لشکرکشی کرده و سپاه جمع کردند. بنابراین، جرقه جنگ جمل از آنجا زده شد.

همچنین هنگامی که به بصره رسیدند، استاندار بصره، عثمان بن حنیف را مورد ضرب و جرح قرار داد و تمام موی سر و ریشش را کند و بیت‌المال را به غارت برد. پس از جنگ و فتح بصره حضرت با توجه به شرایط حاکم بر آن دوران، دودستگی مردم و پدیدار شدن فتنه‌ها به تبیین وضعیت مردم در زمان جاهلیت و بعد از اسلام و بیان ویژگی‌های خود پرداخت. دفاع از

خود و معرفی شایستگی‌هایش نوعی دفاع از مقام امامت است؛ زیرا اگر مردم از آن آگاه نباشند دچار سرگردانی و خسران خواهند شد. بنابراین، مقام و شأن رهبری و امامت خود را بیان کرد و این اتهام را که نگرانی نسبت به جان خود داشته را رد می‌کند و به روشنی می‌گوید که نگرانی ایشان همانند حضرت موسی علیه السلام از شک و تردید و همچنین گمراهی و تفرقه مسلمانان است.

۴. بافت متنی خطبه

تحلیل متن، بخشی از تحلیل گفتمان است و از دو بخش تشکیل شده و مکمل یکدیگر هستند. بخش اول، تحلیل زبان‌شناختی است و بخش دوم، تحلیل بینامتنی. چون در گفتمان، میان شکل و مضمون اتحاد و انسجام است و بررسی ساختارها و اشکال زبانی هم در راستای هدف‌گوینده است (فضل، ۱۴۱۳، ص ۷۸) اهمیت تبیین بافت محتوای خطبه بر همگان هویدا می‌شود.

۵. بافت محتوایی خطبه

- مردم توسط اهل بیت عصمت و طهارت هدایت می‌شوند و به مقامات عالی می‌رسند. به همین دلیل باید نصایح و پندهای آن را با وجود پذیرا باشند؛
- اشاره به پیش‌بینی پیمان‌شکنی‌ها و عدم پرده‌برداری از آنها به دلیل استتار در پرده دین؛
- رسیدن وقت بیان واقعیت‌ها و افشای حقایق.

۶. بافت ساختاری خطبه

۶-۱. ساختار بیرونی خطبه

۶-۱-۱. سطح آوایی

آهنگ گفتار، تجلی‌بخش فضای عاطفی حاکم بر گفتمان است که نمودهایی مانند تکرار، تجدید، کوتاهی یا بلندی و... داشته و بر جریان عاطفی گفتمان دلالت دارد. (شعیری، ۱۳۸۵، ص ۱۵۳) سطح آوایی، اولین گام برای مطالعه سطوح دیگر متن است. موسیقی در جذب و توجه بیشتر مخاطب تأثیر بسزایی دارد و یکی از زیباترین عناصر موجود در متن است.

اول) حروف لین و ساکن

اصوات در زبان عربی به اصوات لین شامل: الف مدی، یاء مدی، واو مدی، فتحه، ضمه و کسره و اصوات ساکن که بقیه اصوات هستند دسته‌بندی می‌شوند. آواهای ساکن هنگام شنیدن، وضوح کمتری نسبت به آواهای لین دارند در صورتی که آواهای لین از مسافت‌های دور نیز شنیده می‌شوند. آواهای لین نیز در شدت وضوح متغیر هستند. برای مثال، الف مدی و فتحه، وضوح بیشتری دارند. در میان آواهای ساکن، لام، میم و نون، واضح‌تر شنیده می‌شوند که شبه آوای لین نام‌گذاری شده‌اند. (انیس، ۱۳۸۴، ص ۲۶) این حروف را می‌توان حلقه میانی آواهای لین و آواهای ساکن دانست. برای مثال در عبارت «بنا اهتدیتیم فی الظلماء و تسنمتم العلیاء و بنا (انفجرتم) افجرتم عن السرار و قر سمع لم یفقه الواقعیه و کیف یراعی النبأ من اصمته الصیحة، صوت الف که وضوح بالایی دارد ۱۱ مرتبه تکرار شده است که حضرت با به‌کارگیری آن به‌طور صریح، فضایل خود را به گوش مستمع می‌رساند و به سرزنش نافرمانان می‌پردازد. عبارت «لم یوجس موسی خیفة علی نفسه، أشفق من غلبة الجهال و دول الضلال» شامل حروف لام ۹ مرتبه، الف و میم ۳ مرتبه و نون ۲ مرتبه است. انتخاب این الفاظ و اصوات که از نظر وضوح شنیداری، بسامد بالایی دارند برای رد اتهام ترس از جان خود داشتن و اثبات این مطلب از امور ضروری و هوشمندانه هستند.

دوم) جهر و همس

جهر به معنای آشکار شدن صدا و همس به معنای آهسته ادا شدن است که در مقابل یکدیگر قرار دارند. صداهای مهموس عبارتند از: ت، ث، ح، خ، س، ش، ص، ط، ف، ق، ک، ه. بقیه اصوات مجهور هستند. بیشتر صداها و حروف در هر کلامی صداهای مجهور هستند؛ زیرا با آن، آشکار و پنهان شدن و همچنین مخفی بودن حروف تمییز داده می‌شود و این یکی از عناصر موسیقی بی‌کلام است. (انیس، ۱۳۸۴، ص ۲۱) حضرت علیه السلام برای تبیین ضرورت وجود امام و بیان این مسئله که ایشان راه نجات از گمراهی‌ها هستند و مردم بدون وجود امام، راه به جایی نمی‌برند (البحرانی، بی‌تا، ۱/۵۳۸) در عبارت «أقمت لکم علی سنن الحق فی جواد

المضلة، حیث تلتقون ولا دلیل، و تحتفرون ولا تمیهون» با استفاده بیشتر از اصوات مجهور، کلام خود را به مخاطب منتقل می‌کند. با دقت در این جمله مشخص می‌شود که نسبت اصوات مجهور به مهموس ۴۴ به ۱۹ است و از آنجا که تبیین واقعیت، امری ضروری است انتخاب هوشمندانه این اصوات برای رسیدن به هدف مورد نظر به خوبی مشهود است. در جمله «مازلت انتظر بکم عواقب الغدر، و اتوسمکم بحیلة المغترین» حضرت در نهایت وضوح و آشکاری، عاقبت کار مخالفان را پیش‌بینی کرده و با استفاده از اصوات مجهور که ۳۴ مرتبه در عبارت تکرار شده و آشکاری بالاتری نسبت به اصوات مهموس که ۱۹ مرتبه استفاده شده است این حقیقت را ثابت می‌کند.

سوم) شدت و رخوت

صداهایی که صفت شدت دارند شامل: ب، ت، د، ط، ض، ک، ق هستند. علمای قدیم این نوع صداهای انفجاری را صدای شدید نامیده و در علم آواشناسی از آنها به نام صداهای انفجاری یاد می‌کنند. در مقابل شدت، صفت رخوت قرار دارد که علمای قدیم به آنها صداهای رخوت و آواشناسان به آنها صداهای سایشی یا احتکاکی می‌گویند. آواهای: س، ز، ص، ش، ذ، ث، ظ، ف، ه، ح، خ، ع به ترتیب، صفت رخوت دارند. آواهای: ل، م، ن، ر نیز نه صفت شدت و نه رخوت دارند و قدما آنها را صداهای متوسط و آواشناسان آنها را صداهای روان نام‌گذاری کرده‌اند. (انیس، ۱۳۸۴، ص ۲۳) حروف ق، ت که صفت شدت دارند در عبارت «اقت لکم علی سنن الحق فی جواد المضله، حیث تلتقون ولا دلیل و تحتفرون ولا تمیهون» تکرار شده‌اند و نشان می‌دهد حضرت با تأکید بر کلمات قوی به تبیین ویژگی خود پرداخته و می‌فرماید: «آن هنگام که در جاده‌های ضلالت سرگردان بودید و راهنمایی نمی‌یافتید من شما را به جاده‌های حق رهبری کردم» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ص ۴۳). شدت و کوبندگی حروف هنگام ادا و انفجاری بودن آنها در این عبارت مخاطب را وادار به تفکر و پذیرش شایستگی حضرت و عدم انکار ویژگی‌های ایشان می‌کند. باتوجه به عبارت «لم یو جس موسی خیفة

علی نفسه» و دقت در حروف شدت و رخوت مشاهده می‌شود که در این عبارت، حروف رخوت ۸ مرتبه، حروف متوسط ۴ مرتبه و حروف شدت فقط ۱ مرتبه استفاده شده است. حضرت با استفاده بیشتر از آواهایی که صفت رخوت دارند اطمینان و آرامش خاطر خود را به مخاطب منتقل می‌کند.

۷. سطح نحوی خطبه

۷-۱. تقدیم

مقدم کردن جار و مجرور در جمله مثبت بر اختصاص دلالت می‌کند. (الزركشي، ۱۳۷۷، ۲۳۶/۳) در عبارت «بنا اهتديتم في الظلماء و تسنمتم العلياء و بنا (انفجرتم) افجرتم عن السرار» جار و مجرور (بنا) بر فعل‌های خود مقدم شده است که حضرت، هدایت و شرافت مردم و بیرون آمدن از تاریکی‌ها را به خود اختصاص می‌دهد. برخی علت تقدیم را مراعات نظم کلام می‌دانند؛ یعنی با تقدیم، کلام زیبایی خاصی پیدا می‌کند و آن را از اختصاص، بلیغ‌تر می‌دانند (الکواز، ۱۳۸۶، ص ۲۹۸). جمله امام در نهایت هنرمندی و کیاست بیان شده و قصر و اختصاص را می‌رساند. حضرت با تقدیم، علاوه بر جلب نظر مخاطب به خود، قصد دارد به مخاطب القا کند که «تنها و تنها من رهبر و وسیله هدایت شما هستم و سرگردانی شما به دلیل عدم توانایی در شناخت رهبری است که بتواند راهنمای شما در مسیر سعادت باشد». با دقت در عبارت «مازلت انتظر بکم عواقب الغدر» دو تقدیم دیده می‌شود: اول، تقدیم فعل (مازلت) بر (انتظر) که برای استمرار و تجدد هر لحظه‌ای انتظار است. حضرت خطاب به طلحه و زبیر می‌فرماید: «من همواره منتظر حيله‌گری و سرانجام آن از طرف شما بودم»؛ دوم، تقدیم (بکم) بر (عواقب) که برای قصر و اختصاص است؛ یعنی: «این انتظار فقط از ناحیه شما بود».

۷-۲. افعال مجهول

- حذف فاعل در افعال مجهول عوامل متعددی دارد. یکی از این عوامل، شناخت فاعل است؛ یعنی مخاطب از فاعل محذوف مطلع است. نویسنده کتاب البرهان فی علوم القرآن در کتاب

خود می‌گوید: «به عقیده ابن جنی، قانون و هدف از این نوع حذف تنها اعلام و منعطف کردن توجه مخاطب به وقوع فعلی است که در حال انجام بر مفعول است و مقصود، تعیین اینکه فاعل چه کسی می‌باشد، نیست» (الزرکشی، ۱۳۷۷، ۱۴۴/۳). می‌توان دلیل مجهول دانستن فعل (وقر) در عبارت «وقر سمع لم یفقه الواعیه» را توجه مخاطب به توبیخ و سرزنش کسانی که دانست که از اوامر الهی سرپیچی کرده‌اند. از آنجا که توبیخ باعث پشیمانی فرد و ترک آن عمل می‌شود حضرت برای هدایت مردم پس از بیان این مطلب که ایشان تنها فردی است که فضیلت از ناحیه او کسب می‌شود، اما با این حال مردم از دستوراتش با تکبر کناره‌گیری می‌کنند با دلسوزی همراه با خاطری آزرده، اما لحنی محکم توجه مخاطب را به توبیخ خود جلب می‌کند که گوشه‌ای که دلایل پیروی از حضرت را پس از شنیدن آنها درنیافته همان بهتر است که کر باشد (البحرانی، بی‌تا، ۲۷۱/۱).

هرچند توبیخ شیوه خوبی برای رجوع انسان به نفس خود و متنبه کردن بر خطایش و در نتیجه باعث ترک اشتباه می‌شود، اما همان‌گونه که حضرت امیر می‌فرماید: «الإفراط فی الملامة یشب نیران اللجاج» (الحرانی، ۱۳۶۳، ص ۸۴؛ المجلسی، بی‌تا، ۲۱۲/۷۴) نباید در توبیخ زیاده‌روی شود؛ زیرا نتیجه معکوس می‌دهد. بنابراین، حضرت با نهایت تدبیر در جمله «ربط جنان لم یفارقہ الخفقان» با مجهول خواندن فعل، توجه مخاطب را به جمله ستایشی خود جلب کرده و توبیخ شدگان را به الگوپذیری و ادامه دادن راه صاحبان فضیلت تشویق می‌کند (البحرانی، بی‌تا، ۲۷۲/۱). این عبارت از زیباترین نتیجه‌گیری‌ها برای همراه کردن مردم با اهل بیت از جمله خود حضرت تلقی می‌شود.

- یکی دیگر از عوامل حذف فاعل، تعظیم و بزرگداشت فاعل است که بر بزرگی منزلت آن دلالت دارد. (الزرکشی، ۱۳۷۷، ۱۴۴/۳) در عبارت «ما شککت فی الحق مذأریته» حضرت خود را چنین توصیف می‌کند که هرگز پس از شناخت حق، شکی بر ایشان حاصل نشده؛ زیرا خداوند بر نفس او کمالاتی را عنایت کرده که باعث استواری حضرت در راه حق است و

همچنین از بزرگی شأنی است که خداوند به او عطا کرده است (البحرانی، بی تا، ۱/۲۷۵). به همین دلیل با کمال افتخار می‌فرماید: «هرگز شبهه‌ای بر اندیشه و تفکرشان عارض نمی‌شود».

۷-۳. جملات کوتاه

استفاده از جملات کوتاه در سخن باعث شتاب سبک و تزریق هیجان به مخاطب می‌شود. می‌توان گفت این‌گونه جملات مقطع و پرشتاب، عاطفی‌تر هستند. (فتوحی رود معجنی، ۱۳۹۱، ص ۲۷۴) این سبک از کلام در گفتمان حضرت در سرتاسر نهج البلاغه به‌وفور استفاده شده است. حضرت در ادامه عبارت «اقتت لكم علی سنن الحق فی جواد المضله» که اشاره به استقامت حضرت بر حق و بیانگر جمله پیامبر ﷺ: «علی مع الحق والحق مع علی» (المجلسی، بی تا، ۲۹/۳۴۳) است با بیان جملات کوتاه «حیث تلتقون ولا دلیل، و تحتفرون و لا تمیهون» به تبیین وضعیت مردم بدون وجود خود می‌پردازد که آنها به دنبال احکام الهی می‌روند، اما به دلیل نداشتن رهبری توانا همچنان سرگردان هستند و با کمال هنرمندی، قصد تحریک و هوشیاری هرچه بیشتر مخاطب را دارند.

۷-۴. سطح دلالی خطبه

زبان برای تبیین هدف گوینده در تمام سطوح زبانی، مواضعی دارد از جمله در سطح دلالی. گوینده با در نظر گرفتن گفتمان، هدف خود را هماهنگ و متناسب با بافت موقعیتی به مخاطب انتقال می‌دهد تا مخاطب متوجه پیام او شود. (شهری، ۲۰۰۴، ص ۳۶۷) بررسی این سطح در خطبه مبارکه نشان می‌دهد که اشکال بلاغی برای انتقال اندیشه و پیام گوینده به مخاطب، متناسب با بافت موقعیتی استفاده شده‌اند و این اشکال برای زیباسازی کلام استفاده نشده، بلکه ابزاری برای اثبات و تأکید کلام حضرت است که به انتقال معنا در سطحی عالی به مخاطب می‌انجامد.

۸. تصویرپردازی

جاحظ اولین کسی است که در اثر ادبی به طرح مبحث تصویر پرداخته و درباره شعر می‌گوید: «شعر صناعت است و گونه‌ای از بافتن و جنسی از تصویرگری». (الجاحظ، بی‌تا، ۶۷/۳) شاید بتوان گفت رساندن معنا به قلب مخاطب با زیباترین بیان، همان منظور جاحظ است. پس از وی ادبا به آن روی آورده و تعاریف متفاوتی را ارائه کرده‌اند. تصویر مجموعه امکانات، یک بیان هنری است که در پیدایش اثر ادبی نقش دارد و تشبیه، استعاره، اسناد مجازی و... زمینه آن را در ذهن ارائه می‌دهند (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۲، ص ۱۵). حوزه تصویر ادبی به دلیل اختلاف برداشت در آن متفاوت است و پژوهشگران در برداشت از آن نظرات و دیدگاه واحدی ندارند. پژوهش حاضر فقط بخشی از جلوه‌های ادبی یعنی، تصاویر هنری و زیبایی‌های بلاغی کلام حضرت علی علیه السلام از جمله تشبیه، استعاره و کنایاتی را که در سخن حضرت استفاده شده است، بررسی می‌کند.

۸-۱. تشبیه

تشبیه در اصطلاح به معنای بیان مشارکت و همانندی یک شیء با شیء دیگر در صفتی است که با ابزارهای ویژه، دلالت بر معنای شباهت دارد و چهار رکن مشبه، مشبه‌به، وجه شبه و ادات تشبیه ارکان آن هستند. (الهاشمی، بی‌تا، ص ۲۱۹) می‌توان گفت که هدف از تشبیه، تبیین مقصود و معنای مورد نظر همراه با اختصاص است. العجماء به معنای کسی که نمی‌تواند حرف بزند در عبارت «الیوم انطق لکم العجماء ذات البیان» صفت برای موصوف محذوفی است که تقدیر کلام این‌گونه بیان می‌شود: «انطق لموعظتکم الکلمات العجماء». این کلمات به حیوان تشبیه شده؛ زیرا همان‌گونه که کلمات هیچ‌گاه سخن نمی‌گویند و برای مخاطب مثمر ثمر هستند و مخاطب از آنها سود می‌برد این خطبه نیز با همه پیچیدگی‌اش برای صاحبان اندیشه آشکار است. به همین دلیل برای پندپذیری، دارای بیان است (الراوندی، ۱۴۰۶، ۱۴۰/۱؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۲۱، ۱۷۹/۱). با دقت در کلام حضرت مشخص می‌شود که

امیر عليه السلام چگونه در کمال هنرمندی با تشبیهات خود به تأثیرگذاری بر مخاطب می‌پردازد. همچنین با رعایت این اصل که جامع و متحدکننده تشبیه باید تأثیر روانی داشته باشد، تشبیه را به بلندترین جایگاه خود می‌رساند.

۸-۲. استعاره

اصل استعاره، تشبیهی است که یکی از دو طرف آن یعنی، مشبه یا مشبه‌به، وجه شبه و ادات آن حذف شده است، ولی از تشبیه، بلیغ‌تر است و به تصریحیه و مکنیه تقسیم‌بندی می‌شود. در استعاره، برخلاف تشبیه، ادعای متحد شدن دو طرف وجود دارد و یک معنا دارند به طوری که لفظ واحد بر آن دو صدق می‌کند. از اصول استعاره این است که در آن باید تشبیهی که به دلیل آن استعاره رخ داده است به فراموشی سپرده شود. گویی استعاره مانند نردبانی است که خیال در آن پله‌پله اوج می‌گیرد و با احساس تشابه بین دو امر آغاز می‌شود و کم‌کم با اوج گرفتن احساس و تبدیل آنها به یک امر خاتمه می‌یابد (الکواز، ۱۳۸۶، ص ۳۷۳). استعاره به دلیل توان بخشیدن به سخن و زیبایی آن مهمترین جایگاه در نگارش را دارد.

از آنجاکه در استعاره، احساسات برانگیخته می‌شوند و استعاره نشان‌دهنده اوج هنرمندی صاحب اثر است، دیده می‌شود که تمام کلام حضرت به صورت استعاره آمده است. به همین دلیل این خطبه از بلیغ‌ترین خطبه‌های حضرت است. در جمله «بنا (انفجرتم) افجرتم عن السرار» حضرت با استعاره مکنیه تخیلیه مرشحه، هیئت و کیفیت حاصل از تاریکی کفر را به دلیل پنهان شدن در دل تاریکی به هیئت و کیفیت حاصل از تاریکی آخرین شب‌های ماه که در آن مهتاب پنهان است، تشبیه کرده است. وجه شبه در هر دو، تاریکی است و حضرت با لفظ «افجرتم» آن را ترشیح کرده و می‌فرماید: «به سبب ما به سپیده دم دین در دل تاریکی جاهلیت طلوع کردید» (الراوندی، ۱۴۰۶، ۱/۱۳۷). این استعاره از شاهکارترین استعاره‌هاست که درک آن نیازمند فهمی دقیق است که تنها از شخصی با بالاترین درجه کمال و فصاحت و بلاغت ظهور می‌کند. در عبارت «تحتفرون ولا تمیهون» حضرت با استفاده از واژه

«تحتفرون» کسی که به دنبال علم است را از نظر کوشش به شخصی که زمین را برای پیدا کردن آب حفر می‌کند، تشبیه کرده است. از آنجا که مشبه در جمله ذکر شده، نوع استعاره مکنیه است. البته در همین عبارت، استعاره دیگری نیز پابرجاست و لازمه آن این است که قلب‌ها به چاه تشبیه شوند (الاسدی، ۱۴۳۷، ص ۱۱۵). در گفتمان حضرت، استعاره به مقدار زیادی استفاده شده که با توجه به موقعیت ایراد خطبه و قدرت بالاتر و اثرگذاری بیشتر الفاظ در قالب استعاره می‌توان به خوبی قدرت بیانی و فصاحت حضرت امیر را درک کرد.

۸-۳. کنایه

کنایه یعنی، درک بیان یک امر به طور صریح و به آنچه لازمه آن است، می‌رسد تا ذهن را از معنی ملزوم و ذکر شده به معنای اصلی برساند. (السکاکی، بی‌تا، ص ۵۱۲) لفظی است که از آن معنایی غیر از آنچه که وضع شده است، اراده می‌شود. البته اراده همان معنای ملفوظ نیز جایز است. کنایه، مانند ادعایی است که با دلیل آمده و به شخص توانایی ذکر اموری را می‌دهد که نمی‌تواند به صراحت بیان کند و یکی از مزیت‌های اسلوب کنایه است. حضرت به دلیل اقتدار در برابر دشمن بدون اینکه مجالی برای ملامت و مؤاخذه باقی گذارد از این اسلوب با توجه به بافت موقعیتی خطبه به بیان گفتمان خود پرداخته تا مخاطب فرصت انکار را با توجه به دلایل موجود در قالب جملات کنایی نداشته باشد.

در عبارت «کیف یراعی النبأ من اصمته الصیحه» لفظ (نبأ) که به معنای صدای آهسته است کنایه از دعوت خویش نسبت به قدرت و شدت دعوت خدا و پیامبر آورده شده و نسبت دادن کری (اصمام) به (صیحه) نیز کنایه از رسایی و وضوح دعوت مکرر خداوند به گوش مردم است تا حدی که شنوایی آنها از کار افتاده و از شنیدن صدای حضرت درمانده شده‌اند. (القرزینی الحائری، بی‌تا، ۲۱۰/۱) عبارت «الیوم انطق لکم العجماء» نیز کنایه است از پندهای آشکار و پیشامدهایی که بر گناهکاران و مخالفان وارد می‌شود و همچنین کنایه از واضح بودن برتری فضل، امام و نیز احوال و اوضاعی که مشاهده می‌کردند از عبرت‌های واضح و روشن

است (شبر، ۱۴۲۵، ۱/۱۲۹). حضرت با بیان سخن خود در قالب کنایه که دلیل و برهان دارد جای هیچ‌گونه انکاری را برای مخاطب باقی نگذاشته است. در عبارت «من وثق بماء لم یظماً» حضرت آب را کنایه از دانستن کیفیت و چگونگی هدایت به سوی حق تعالی آورده است؛ به این معنا که این آب همان است که با وجود آن تشنگی، وجود نخواهد داشت.

۹. صنایع بدیع معنوی

۹-۱. لف و نشر

از جمله صنایع بدیع به کار رفته در این خطبه، صنعت لف و نشر است که به معنای به هم پیچاندن و بازگشودن است. بدین صورت که چند چیز ذکر شود، سپس آنچه مربوط به هر کدام از آنهاست براساس اعتماد به عملکرد شنونده در تشخیص دادن امور هر یک از افراد و بازگرداندن به آنچه برای آن است به گونه پراکنده و بدون تعیین گفته شود. (الهاشمی، بی تا، ص ۳۱۰) در عبارت «الیوم توافقنا علی سبیل الحق و الباطل» تقدیر جمله به صورت «انی (نحن) واقفون علی سبیل الحق و انتم واقفون علی سبیل الباطل» است که حضرت آن را خطاب به کسانی که در مقابل او برای جنگیدن ایستاده بودند به صورت لف و نشر می فرماید.

۹-۲. صنعت طباق یا تضاد

طباق، جمع کردن میان دو امری است که در معنا تقابل دارند. (الهاشمی، بی تا، ص ۳۰۳) حق و باطل در عبارت «الیوم توافقنا علی سبیل الحق و الباطل» تضاد معنایی دارند.

۱۰. ساختار درونی خطبه (عاطفه)

صحنه‌های عاطفی شامل صحنه‌های ثابتی هستند که در طول گفتمان به تولید حالت‌های عاطفی مختلف منجر می‌شوند و هم صحنه‌های غیر ثابت که پیوسته در تغییر هستند که با هر تغییر صحنه‌ای، نوع عاطفه و احساس نیز تغییر می‌کند. دقت در گفتمان حضرت نشان می‌دهد همان‌گونه که ساختار بیرونی به هدایت و تشویق مردم به پیروی از امام و دستورات ایشان و همچنین پرده‌برداری از حقایقی مانند برتری حضرت نسبت به سایرین و... ساختار

درونی نیز در راستای همین مقصود و برای تأیید آن ایراد شده است. بنابراین، به دلیل تأثیرگذاری و اقناع مخاطب، ضرورت به کارگیری ابزارهای عاطفی روشن می‌شود. درباره واژه (بنا) در عبارت «بنا اهتدیتم فی الظلماء و تسنمتم العیاء و بنا (انفجرتم) افجرتم عن السرار» دو احتمال وجود دارد: یکی اینکه واژه تنها درباره خود حضرت است و برای تعظیم به صورت جمع استفاده شده و همان‌گونه که پیامبر اسلام ﷺ فرمود: «ما قام ولا استقام دینی إلا بشیئین: مال خدیجه و سیف علی بن ابی طالب؛ دین من با اموال حضرت خدیجه و شمشیر حضرت علی علیه السلام استوار شد» (الحائری، ۱۳۸۵، ۲/۲۳۳) حضرت بنیان‌گذار پایه‌های دین است و این سببی است برای افتخار حضرت که در صحبت با مردم از این تعظیم جایگاه استفاده کند. دوم آنکه مقصود، ائمه اطهار باشند (القزوینی الحائری، بی تا، ۲۰۸/۱) که در هر حال، حس عاطفی افتخار و بزرگی از کلام حضرت به مخاطب منتقل می‌شود. در عبارت «ما شککت فی الحق مذأریته» گفتمان حضرت در قالب متکلم از خویش به خوبی صلابت و استواری کلام امام را به مخاطب منتقل ساخته و احساس شرافت و بزرگی مشهود است.

۱۱. تحلیل بینامتنی خطبه

پس از بررسی خطبه از نظر زبان‌شناختی متن، روابط بینامتنی خطبه بررسی می‌شود که عبارت است از: «تمایل متن‌ها به ارجاع به یکدیگر و شکل‌گیری آنها از طریق این ارجاع متقابل». (میلز، ۱۳۸۸، ص ۱۹۴) براساس بررسی‌های کارشناسی روابط بینامتنی، گفتمان به صورت مستقیم و غیر مستقیم است که در پژوهش حاضر گفتمان مستقیم بررسی می‌شود. کاربرد آگاهانه و مستقیم متون دیگر در کلام را گفتمان مستقیم می‌نامند (فضل، ۱۴۱۳، ص ۱۰۰). در این بخش، آیات قرآن و ضرب‌المثل‌های به کار رفته در خطبه بررسی می‌شود.

۱۱-۱- آیات قرآن

از آنجاکه حضرت، ادیبی به تمام معناست در گفتمان خود از قرآن به زیبایی تمام بهره می‌برد. عبارت «لم یوجس موسی علیه السلام خیفه علی نفسه» برگرفته از آیه ۶۷ سوره طه: «فاوجس فی

نفسه خیفه موسی؛ موسی ترس خفیفی در دل احساس کرد مبدا مردم گمراه شوند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ص ۳۱۶) است.

۱۱-۲- ضرب‌المثل

از خصوصیات ضرب‌المثل می‌توان به برهانی بودن و اقناع مخاطب توسط آن اشاره کرد. (شهری، ۲۰۰۴، ص ۵۴۳) برای مثال عبارت «من وثق بماء لم یظماً» به هدف جلب توجه و تشویق مخاطب است تا از سعادت‌مندان باشد و از گمراهی و کفر دور شود (البحرانی، بی‌تا، ۲۷۵/۱). کلام امام در عبارت «الیوم انطق لکم العجماء ذات البیان» ضرب‌المثلی است به منزله این نکته: «از زمین پیرس جویبارهایت را چه کسی شکافته و میوه‌هایش را چه کسی خارج کرده. اگر صریح به تو پاسخ نداد به شکل پند جوابت را خواهد داد» (الاسدی، ۱۴۳۷، ص ۱۱۶؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۲۱، ۱۷۹/۱؛ البحرانی، بی‌تا، ۲۷۴/۱). جمله «غرب رأی امرئ تخلف عنی» در مقام توییح مخالفان است که به‌گونه ضرب‌المثل: «ایاک اعنی و اسمعی یا جاره؛ مقصود من تو هستی، ای همسایه بشنو» جاری شده که معادل فارسی آن: «به در می‌گویند تا دیوار بشنود» است (البحرانی، بی‌تا، ۲۷۵/۱).

۱۲. نتیجه‌گیری

بافت موقعیت از جمله شرایط حاکم بر آن دوران، ایجاد تفرقه میان مردم و اتهاماتی مبنی بر ترس از جان خود داشتن که به حضرت نسبت داده می‌شد و... موجب ایراد خطبه از طرف حضرت شد تا با به‌کارگیری ساختارهای زبانی مانند سطوح مختلف آوایی، نحوی، دلالی و دیگر بخش‌های زبانی، نسبت به روشن کردن حقایق و اثبات برتری و شایستگی خویش، رد اتهامات نادرست وارده از جانب مخاطب، کمک به مخاطب برای شناخت و انتخاب رهبری آگاه و شایسته و اتمام حجت با مخاطب شده است. با دقت و توجه در سطح آوایی گفتمان حضرت دیده می‌شود که امام در مواقعی که به تبیین ضرورت رهبر و اثبات جایگاه خود می‌پردازد از اصوات لین و شبه لین که وضوح شنیداری بالاتری نسبت به اصوات ساکن دارند

به مقدار بیشتری استفاده می‌کند. وقتی به ذکر ویژگی‌های خود و تبیین ضرورت وجود رهبری فرزانه برای جلوگیری از ضلالت و گمراهی می‌پردازد از اصوات مجهور و خصوصیت شدت، کوبندگی و وضوح شنیداری بالاتر آنها نسبت به اصوات مهموس به روشنی کلام خود را به مخاطب منتقل ساخته تا اثرپذیری لازم را بر او داشته باشد. در بررسی سطح نحوی نیز مشاهده شد که حضرت با استفاده از ساختارهای مختلف نحوی مانند تقدیم بعضی از واژه‌ها نسبت به جایگاه اصلی در کلام، کاربرد افعال مجهول و استفاده از جملات کوتاه به اثبات جایگاه خویش و اهداف دیگر خود اقدام کرده است.

با بررسی سطح دلالتی و تبیین تصاویر بلاغی موجود در خطبه مانند استعاره، کنایه و صنایع بدیع آشکار شد که امام برای بیان حقایق با استفاده از این تصاویر بلاغی که قدرت بیانی بیشتری نسبت به جملات صریح دارند مخاطب را به پذیرش کلام خود وادار می‌کند. پس از بررسی سطوح زبان شناختی خطبه با بررسی سطح درونی دیده شد که چگونه احساساتی مانند افتخار، خشم، ناراحتی و ملامت در قالب تصاویر مختلف در اقناع و تأثیرگذاری مؤثر بر مخاطب بروز داده شده است. حضرت گفتمان مستقیم همچون آیه قرآن و ضرب‌المثل را نیز در راستای اهداف خود برای تأثیر بیشتر کلام خود بر جان مخاطب در کمال هوشمندی و هنرمندی به کار برده است.

فهرست منابع

- * قرآن کریم
- * نهج البلاغه
- ۱. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله (۱۴۲۱). شرح نهج البلاغه. محقق: محمد ابوالفضل ابراهیم. بی‌جا: مؤسسه وزارة الارشاد و الثقافیه الاسلامیه للطبع و النشر.
- ۲. الاسدی، عادل حسن (۱۴۳۷). من بلاغه الامام علی عليه السلام فی نهج البلاغه. قم: محبین (رسول).
- ۳. انیس، ابراهیم (۱۳۸۴). آواشناسی زبان عربی. مترجم: علامی، ابوالفضل، و سفیدرو، صفر. بی‌جا: انتشارات اسوه.
- ۴. البحرانی، ابن میثم (بی‌تا). شرح نهج البلاغه ابن هیثم. بی‌جا: بی‌نا.
- ۵. بهرام‌پور، شعبانعلی (۱۳۷۹). درآمدی بر تحلیل گفتمان. تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان.

۶. تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹). گفتمان و تحلیل گفتمانی. بی‌جا: انتشارات فرهنگ گفتمان.
۷. الجاحظ، عمرو بن بحر (بی‌تا). الحيوان. بی‌جا: بی‌نا.
۸. الحائری، محمد مهدی (۱۳۸۵). شجره طویی. نجف: المكتبة الحیدریه.
۹. الحرائی، ابومحمد الحسن بن علی بن الحسین بن شعبه (۱۳۶۶). تحف العقول عن آل الرسول ﷺ. مصحح: الغفاری، علی اکبر. قم: مؤسسه النشر الاسلامی (التابعه) لجماعه المدرسین بقم المشرفه.
۱۰. الراوندی، قطب‌الدین ابی الحسین سعید بن هبه‌الله (۱۴۰۶). منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه. محقق: السید عبداللطیف الکوهمکمری باهتمام السید محمود المرعشی. قم: مطبعه الخيام.
۱۱. رستمیان، مرضیه، و طباطبایی، سید کاظم (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی بافت موقعیتی (برون‌زبانی) از دیدگاه فرث، هایمز و لوئیس با سیاق حالیه. نشریه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم، سال دوم، شماره چهارم، ۲۹-۳۶.
۱۲. الزرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله (۱۳۷۷). البرهان فی علوم القرآن. محقق: محمد ابوالفضل ابراهیم. بی‌جا: دار احیاء الکتب العربیه.
۱۳. الشکاک، یوسف بن محمد بن علی (بی‌تا). مفتاح العلوم. محقق: عبدالحمید الهنداوی. بی‌جا: دار الکتب العلمیه.
۱۴. شبر، السید عبدالله (۱۴۲۵). نسخه الشرحین فی شرح نهج البلاغه. بی‌جا: انتشارات محبین.
۱۵. شعیری، حمیدرضا (۱۳۸۵). تجزیه و تحلیل نشانه-معناشناسی گفتمان. بی‌جا: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۶. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۲). صور خیال در شعر فارسی. تهران: انتشارات آگاه.
۱۷. شهری، عبدالهادی بن ظافر (۲۰۰۴). استراتیجیات الخطاب مقاربه لغویه تداولیه. بیروت: دار الکتب الجدیده المتحدده.
۱۸. صلح‌جو، علی (۱۳۷۷). گفتمان و ترجمه. تهران: نشر مرکز.
۱۹. فتوحی رود معجنی، محمود (۱۳۹۱). سبک‌شناسی. تهران: انتشارات سخن.
۲۰. فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹). تحلیل انتقادی گفتمان. مترجم: فاطمه شایسته پیران، و همکاران، تهران: وزارت فرهنگ و اسلامی.
۲۱. فضل، صلاح (۱۴۱۳). بلاغه الخطاب و علم النص. الکویت: عالم المعرفه.
۲۲. فیض‌الاسلام اصفهانی، علی نقی (۱۳۶۸). ترجمه و شرح نهج البلاغه. مترجم: فیض‌الاسلام اصفهانی، علی نقی. تهران: سازمان چاپ و انتشارات فقیه.
۲۳. القزوینی الحائری، السید محمد کاظم (بی‌تا). شرح نهج البلاغه. بی‌جا: بی‌نا.
۲۴. الکواری، محمد کریم (۱۳۸۶). سبک‌شناسی اعجاز بلاغی قرآن. مترجم: سیدی، حسین. تهران: انتشارات سخن.
۲۵. گرجی، مصطفی (۱۳۹۰). آیین پژوهش در زبان و ادبیات با رویکرد به منظرهای شش‌گانه. تهران: انتشارات کلک سیمین.
۲۶. لطفی پور ساعدی، کاظم (۱۳۷۱). درآمدی بر سخن کاوی. نشریه زبان‌شناسی، سال نهم، شماره اول، ۹-۳۹.
۲۷. المجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (بی‌تا). بحار الانوار. محقق: عبدالزهراء العلوی. بی‌جا: بی‌نا.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۳). ترجمه قرآن. قم: دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی).

۲۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶). پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام. بی‌جا: دارالکتب الاسلامیه.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۶). نفحات الولایه. قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب.
۳۱. میلز، سارا (۱۳۸۸). گفتمان. مترجم: محمدی، فتاح. زنجان: هزاره سوم.
۳۲. الهاشمی، احمد (بی‌تا). جواهر البلاغه فی المعانی و البیان و البدیع. بی‌جا: بی‌نا.
۳۳. هیلدی، مایکل.، و حسن، رقیه (۱۳۹۳). زبان، بافت و متن جنبه‌هایی از زبان در چشم‌اندازی اجتماعی - نشانه‌شناختی. مترجم: منشی‌زاده، مجتبی.، و ایشانی، طاهره. تهران: نشر علمی.